

بازیابی اصول شهرسازی تبریز در دوره ایلخانی- تیموری، ترکمانی

با رویکرد زایشی - گشتاری

بهنام مرادی^۱، محمد تقی پیر بابایی^۲، لیلا مدقالچی^۳

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز B.moradi@yahoo.com
۲ - دانشیار گروه طراحی شهری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز Purbabaie@hotmail.com
۳ - استادیار گروه معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز Leila_medghalchi@yahoo.com

چکیده

هنگامی که سخن از شهرهای کهن به میان می آید، عوامل کالبدی در پیوند با معانی و نیز کیفیات مرتبط با فعالیت ها و رفتار های انسانی از عوامل اصلی شکل دهنده به این شهر ها به شمار می آیند. چنین به نظر می رسد که با بررسی، تجزیه و تحلیل ارتباط میان ساختارهای سطوح مختلف ساخت نحوی در این شهرها میتوان نتایج ارزشمندی را بدست آورد. هدف از پژوهش حاضر واکاوی ژرف ساخت ها (ساختار های ذهنی و واقعی و الگوها و قواعد بنیانی سازنده زبان) و روستاها (واژگان و نشانه ها، مطالعه فضاهای شهری بجا مانده از دوره ایلخانی- تیموری، ترکمانی) با تاکید بر رویکرد زایشی - گشتاری برای بازیابی قواعد گشتاری (قواعد تغییر) میباشد. در راستای انجام این پژوهش، از روش های توصیفی- کتابخانه ای و اسنادی به بررسی تاریخچه شهر و سیر تحول تغییرات ساختاری تبریز در دوره دوره ایلخانی- تیموری، ترکمانی پرداخته می شود. بر طبق مبانی نظری از بررسی عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و..... (ژرف ساخت ها) آن دوره به نتایجی دال بر تاثیر در شکل گیری الگوها و از تحلیل الگوها به جا مانده نتایجی دال بر تاثیر پذیری از عوامل زیربنایی (سیاسی، اقتصادی و....) بدست می آید لذا با مقایسه تطبیقی این نتایج (سطوح زیرین و رویه) قواعد و اصولی به دست می آید که موجب تبدیل این نتایج به یکدیگر میشوند نهایتا با عنوان اصول شهرسازی دوره ایلخانی- تیموری، ترکمانی معرفی میشود تحلیل و بازیابی این اصول میتواند نقشی سازنده و ارزشمند در پیوند ارتباط از دست رفته گذشته و حال و استمرار حال با آینده داشته باشد.

واژه های کلیدی: "تبریز دوره ایلخانی- تیموری، ترکمانی"، "ژرف ساخت"، "رواست"، "قواعد گشتاری".

مقدمه

امروزه همواره در ذهنمان فرم های جدید را با فرم های سنتی مقایسه کرده و از خود می پرسیم که چرا فرم سنتی از سازگاری خوب برخوردار بوده، اما فرم امروزی با سازگاری همراه است؟ شهرها مهم ترین نشان ههای تمدن هر ملت به شمار می آیند، نشانه هایی که قدمت و صلابت ایشان نمادی از اندیشه ها، آداب و رسوم، روابط و تعاملات مردم بوده و در عین حال مجموعه درهم تنیده ای از عوامل محیطی، جغرافیایی، اقلیمی و آداب و رسوم و آیین ها در شکل گیری آنها نقش داشته اند. شهرهای تاریخی نیز از ارزشمندترین آثار فرهنگی در ایران محسوب میشوند. طبق نظریات زبان شناسی این عوامل زیربنایی و بنیانی هستند که از طریق قواعدی به الگوها تبدیل گشته اند آنچنان که رابطه ی بسیار نزدیک و نمایانی در ساخت شهر و عوامل غالب دوره های زمانی دیده میشود. بی شک با نگاهی دقیق تر به سطوح مختلف شهرهای گذشته کمتر نشانی از بی هویتی معنایی و انفصال ساخت شهر و ابعاد زیربنایی دیده میشود. در واقع این قواعد به مانند مبدل های موجب هماهنگی و هم نشینی سطوح مختلف شهر شده اند و حتی موجب ارتباط و استمرار منسجمی از بسط شهرها میشد که به دلایل گذر زمان پدید میامد.